

ادامه از صفحه یک

چرا آیت الله خامنه‌ای با اجرای برجام موافقت کردند؟

راز تصویب برجام

آیت‌الله خامنه‌ای با یادآوری تجربه‌های سال ۸۲ و ۸۳ در موضوع هسته‌ای می‌گویند: «تجربه‌ای که در سال ۸۲ و ۸۳ در زمینه تعلیق غنی‌سازی انجام گرفت، که آن وقت تعلیق غنی‌سازی را در مذاکرات با همین اروپایی‌ها، جمهوری اسلامی برای یک مدتی پذیرفت، خب ما دو سال عقب افتادیم، لکن به‌نفع ما تمام شد. چرا؟ چون فهمیدیم که با تعلیق غنی‌سازی، امید همکاری از طرف شرکای غربی مطلقاً وجود ندارد. اگر ما آن تعلیق اختیاری را- که البته به‌نحوی تحمیل شده بود، لکن ماقبول کردیم، مسئولان ما قبول کردند- آن روز قبول نکرده بودیم، ممکن بود کسانی بگویند خب، یک ذره شما عقب‌نشینی می‌کردید، همه مشکلات حل می‌شد، پرونده هسته‌ای ایران عادی می‌شد.» (۱۲ آبان ۹۲، بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان) با این حال آیت‌الله خامنه‌ای دولت و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای را در روند مذاکرات به حال خود رها نمی‌کنند؛ خطوط قرمز اعلام‌شده توسط رهبر انقلاب چارچوبی را برای تیم مذاکره‌کننده ترسیم می‌کند تا مذاکره‌کنندگان ایرانی حتی المقدور به سمت یک «توافق خوب» حرکت کنند و هزینه این تجربه برای مردم کاهش یابد. «متوازن بودن توافق نهایی»، «اخذ تضمین‌های لازم از طرف مقابل برای اجرای تعهدات» و از همه مهم‌تر «لغو کامل تحریم‌ها از همان روز اول اجرای برجام»، مهم‌ترین خطوط قرمزی بود که توسط رهبر انقلاب برای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای وضع شد؛ اما امروز نیازی به هیچ استدلالی هم نیست که بدانیم تیم مذاکره‌کننده تا چه میزان با این خطوط قرمز پایبند بوده است!

به هر صورت متن توافق برجام، ۲۳ تیر ۹۴ با عبور از بخش مهمی از خطوط قرمز رهبر انقلاب توسط تیم مذاکره‌کننده ایرانی نهایی شد و محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه نیز رسماً به رهبر انقلاب گفت که نتوانسته برخی از این خطوط قرمز را محقق کند: «وزیر خارجه محترم ما در مواردی به بنده گفت که ما [مثلاً] اینجا را یا این خط قرمز را دیگر نتوانستیم حفظ کنیم.» (اول فروردین ۹۵، بیانات در جمع مردم در حرم مطهر رضوی)

عدم خوش‌بینی رهبر انقلاب به مذاکرات و همچنین برجامی که اینک

بخش مهمی از خطوط قرمز را رد کرده، این تصور را پیش می‌آورد که

آیت‌الله خامنه‌ای قاعدتاً نباید اجازه اجرایی شدن برجام را به دولت بدهد.

با این حال مبنای مردم‌سالاری دینی که در ابتدای متن به آن اشاره شد،

اقتضای دیگری دارد.

دولت و گروه‌های سیاسی حامی او تبلیغات بسیار گسترده‌ای به‌نفع برجام آغاز کرده و آن را «پیروزی بزرگ بدون جنگ» برای ایران و «آفتاب تابان» بی‌توصیف می‌کنند که به‌زودی مشکلات بزرگ اقتصادی را برطرف خواهد کرد؛ به‌نحوی که حتی مشاور ارشد رئیس‌جمهور علی‌اکبر ترکان، نمایندگان را تلویحاتهدید می‌کرد که «هر روز تاخیر در اجرای برجام، روزانه ۱۰۰ میلیون دلار برای کشور هزینه دارد!» بر اثر این تبلیغات، فضای اجتماعی که با رای به روحانی در سال ۹۲ نشان داده بود تصور می‌کند از طریق مذاکرات هسته‌ای، بهشت بزرگ اقتصادی نیز در انتظارش خواهد بود، حالا و پس از نهایی‌شدن برجام هم همچنان این تصور را با خود حمل می‌کرد؛ به‌نوعی که برخی نظرسنجی‌ها مانند ایران‌پل، حکایت از آن داشت که توافق هسته‌ای امید مردم به بهبود اوضاع اقتصادی را بیشتر کرده است. درحالی که پیش از امضای برجام (می ۲۰۱۵، بازه ۱۰ اردیبهشت تا ۱۰ خرداد ۴۹ درصد از مشارکت‌کنندگان در نظرسنجی معتقد بودند اوضاع اقتصادی به سمت بهبود پیش می‌رود و معتقدان به آینده بدتر اقتصادی ۳۷ درصد بودند، این اعداد پس از امضای برجام و در نظرسنجی سه‌ماه بعد (آگوست ۲۰۱۵)، به ۵۷ درصد خوش‌بین و ۲۹ درصد بدبین تغییر پیدا کرده بود؛ یعنی نزدیک به ۶۰ درصد مردم تصور می‌کردند اوضاع اقتصادی پس از برجام، به‌واسطه برجام، بهتر خواهد شد.

همین موسسه در آگوست ۲۰۱۵ گزارش داد ۷۶ درصد از مردم ایران کاملاً تا حدی از برجام حمایت می‌کنند. براساس نظرسنجی ایران‌پل، در سپتامبر ۲۰۱۵ (شهریور ۹۴) درصد افرادی از جامعه ایران که تصور می‌کردند آمریکا به تعهدات برجامی‌اش پایبند خواهد بود (۴۵ درصد)، از آنها که نسبت به این مساله مردد بودند (۴۱ درصد)، بیشتر است. در چنین شرایطی آیت‌الله خامنه‌ای برجام را به نهادهای قانونی برآمده از رای مردم سپردند تا درباره آن تصمیم‌گیری کنند و تأکید کردند هر تصمیمی شورای عالی امنیت ملی و مجلس شورای اسلامی در این باره بگیرند، به آن عمل خواهد شد. (۱۲ شهریور ۹۴،بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان) عقیده رایج‌رنده این است که اگر در چنین وضعیتی، مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی به این موضوع پی می‌برند که اجرای برجام از عدم اجرای آن برای کشور هزینه بیشتری دارد و مردم نیز در پی بحث و گفت‌وگوهایی که به‌ویژه در مجلس شکل می‌گرفت نسبت به این مساله آگاه و از شر تبلیغات رنگی رسانه‌های غالباً متعلق به جبهه دوم خرداد رها می‌شدند، احتمالاً رهبر انقلاب با عدم اجرای آن موافقت می‌کردند، اما کار به‌نحوی پیش رفت که این آگاهی برای مردم هنوز حاصل نشده بود. به همین دلیل و به‌رغم آنکه شورای عالی امنیت ملی ۱۰ ملاحظه و مجلس شورای اسلامی نهایتاً در ۲۱ مهر ۹۴ با یک مصوبه ۹ پندی، شروطی برای اجرای برجام توسط دولت تعیین کرده بودند، اما بازهم آیت‌الله خامنه‌ای این شروط را کافی ندانستند و ضمن تأیید آن ۱۹ شرط، ۹ شرط را نیز مستقلاً به آن افزودند که بازهم گرفتن تضمین‌های کافی از طرف مقابل و لغو تمام تحریم‌ها از همان ابتدای اجرای برجام جزء شروط اصلی بودند که البته این شروط هم در ادامه توسط دولت تأمین نشد.

بنابراین، آیت‌الله خامنه‌ای نه به این مسیری که معتقد بودند با مذاکرات هسته‌ای همه مشکلات اقتصادی حل خواهد شد اعتقادی داشته و به آن خوش‌بین بودند و نه برجام را توافق بدون نقص و خوبی می‌دانستند، اما برای اینکه یک آگاهی و تجربه‌ای برای ملت و مسئولان شکل بگیرد و مسیر دولت و جامعه به‌صورت طبیعی به سمت درست آن هدایت شود، با این مذاکرات و اجرای مشروط برجام موافقت کردند. به‌نظر می‌رسد حالا و پس از گذشت چهار سال از مذاکرات هسته‌ای، این هدف‌گذاری آیت‌الله خامنه‌ای بیش از هدف‌گذاری سایر مسئولان محقق شده است؛ چراکه امروزه کار درباره برجام به‌جایی رسیده که آنان که برجام را آفتاب تابان و بارش باران بر سر ملت ایران توصیف می‌کردند، تأکید می‌کنند مذاکره با آمریکا دیوانگی است و از آن بالاتر، بر سر نخواستن برجام به‌قدری دعوای‌ها شده که «بی‌بی‌سی» هم سرپرستی آن را قبول نمی‌کند و مدام در تلاش است که بگوید آیت‌الله خامنه‌ای هم در برجام نقش داشته‌اند!

1. https://www.isna.ir/news/94063019086/

سیاست

رئیس دولت اصلاحات در ۲ سال اخیر در خصوص دولت روحانی ۴ مرحله متفاوت داشته است

پرشان‌گویی بعد از انفعال



مهم‌ترین حامی حسن روحانی در انتخابات‌سال۹۲ کسی بود که محمدرضا عارف را از میدان رقابت کنار کشید و مسیر پیروزی را فراهم کرد. محمدخاتمی رئیس‌دولت اصلاحات است؛ کسی که گمان می‌کرد می‌تواند بعد از تندروی در سال ۸۸ که موجب انزوای سنگین اصلاح‌پلانیان شده بود، با همراهی حسن روحانی به حاکمیت و مدار قدرت سیاسی بازگردد. خاتمی البته با همین تحلیل‌ول با وجود اینکه در طول دوران دولت‌اول ناکارآمدی حسن روحانی در اداره کشور را دیده بود، در سال۹۶ هم بالاچار با س‌وی همراهی کرد تا شاید در دور دوم فرجی‌شود، ام‌س‌ب چندی نگذشت که ناپسامانی اقتصادی شرایط را درگ‌گون کرد. این وضعیت در دوران دولت دوازدهم حداقل چهار وضعیت متفاوت را برای وی رقم زد و موجب شد تحت‌فشار افکار عمومی کنش‌های سیاسی عجیب و غریبی را از خود نشان دهد. «فرهنگ‌نگان» در شماره امروز خود این چهار برهه را بررسی کرده است.

تکرار «تکرار»

انتخابات ۹۲ درحالی برگزار شد که اصلاح‌طلبان در زورآزمایی با کارگزاران ناچار شدند معاون اول دولت اصلاحات را کنار گذاشته و خار در چشم و استخوان در گلو از کسی حمایت کنند که فارغ از چهره برساخته رسانه‌ها، نه نسبتی با اصلاحات داشت و نه قربانی با گفتمان آزادی به‌عنوان گفتمان مرکزی این جریان. روحانی خردادماه ۹۲ در شرایطی توانست خود را به اصلاح‌طلبان تحمیل کند که آن روزها بیش از هر چیز خطر شکسته شدن آرای این جریان میان دو کاندیدای حاضر، کابوس تکرار شکست ۸۴ را برای آنها تداعی می‌کرد. این گونه شد که خاتمی بعد از روشن شدن وضعیت نامطلوب عارف در نظرسنجی‌ها و اقبال کوتاه او برای فتح پایستور، به ناچار معاون اولش را به کناره‌گیری از رقابت‌ها و حمایت از روحانی به‌عنوان گزینه مورد حمایت هاشمی و کارگزاران فراخواند. انتخاب این استراتژی به منزله آن بود که اصلاح‌طلبان سقف مطالبات خود را برای انتخاب کاندیدای تماماً اصلاح‌طلب کنار گذاشته و صرفاً به هموارسازی مسیر ورود خود به قدرت بسنده کرده‌اند؛ انتظاری که البته بعدها آن طور که تصورش می‌رفت، هیچ‌گاه محقق نشد و کار را به سخن از سقط جنین اصلاحات در رحم اجاره‌ای هم کشاند و توجیه بدنه اجتماعی برای ماندن پای کار دولت را تا حدی نسبت به گذشته سخت‌تر کرد. برجام و تحقق آرزوی دیرینه مذاکره مستقیم با آمریکا اما در سال‌های ابتدایی مانع از عیان شدن شکاف‌ها شد و به‌رغم همه کاستی‌ها و انتقادات، زمینه استمرار این ائتلاف را مساعد نگه می‌داشت. با این حال رفته‌رفته با نزدیک شدن به پایان عمر دولت یازدهم، اما و اگرها درباره ادامه راهی که از ۹۲ آغاز شده بود، بالا گرفت. تردیده‌ها و نگرانی‌ها در این باره حتی کار را به حضور کاندیدای پوپوششی هم رساند، اما هرچه‌ها بود، نتوانست مانع تکرار «تکرار» شود. خاتمی با همه ناخوشی‌های تجربه همراهی با روحانی،

تصمیمش را گرفت و ترجیح داد میان او، کاندیدای ضربه‌گیر و هاشمی‌طبا بار دیگر از روحانی حمایت کند؛ و با نیم‌نگاه به حضور فراکسیون امید در مجلس، به امید کابینه‌ای اصلاح‌طلب‌تر نسبت به کابینه یازدهم بنشیند. نتیجه اما این بار تلخ‌تر از تصور بود. حبیب‌الله بیطرف به‌عنوان اصلاح‌طلب‌ترین گزینه پیشنهادی روحانی از راهبایی به پاسستور باز ماند، وزارت ارتباطات به چهره‌ای اطلاعاتی رسید، نیروهای نزدیک به رئیس‌مجلس ازجمله عباس صالحی و رحمانی‌فضلی با آرایی بالاتر از وزرای محبوب این جریان از جمله ظریف و زنگنه به کابینه راه یافتند، از وزیر زن خبری نبود و جایگاه زنان نیز در سطح کابینه تنزل یافت. این تازه اول ماجرا بود. هر چه زمان گذشت، سایه واعظی، نوبخت و تیم اعتدال و توسعه بر دولت سنگین‌تر شد و به همان اندازه جهانگیری به‌عنوان عالی‌ترین نیروی کارگزاران به حاشیه رفت. همین موضوع انتقادات به روحانی را در محیط‌های سیاسی اصلاح‌طلب شدت بخشید. هم‌زمان تشدید نارضایتی‌ها از دولت، کم‌بین #پشتیمانیم را در فضای مجازی رقم زد و خاتمی در همه این تحولات ترجیح داد از حمایت خود پا پس نکشد. در این میان دولت نیز ترجیح می‌داد نارضایتی‌ها را نادیده بگیرد و هرچه هست را به منتقدان نسبت دهد. ثمره مدیریت جریان لیبرال بر کشور اما در این مقطع رفته‌رفته نشانه‌های خود را بروز داد و پرده‌هایی از وضع ناخوش اقتصاد کشور در قالب گرانی و بیکاری، همان‌ما‌های ابتدایی دولت دوازدهم به نمایش گذاشته شد. در چنین بستری اعتراضات اجتماعی به وضع موجود، دی‌ماه ۹۶ با شعار «نه به گرانی» به نقطه اوج رسید؛ اعتراضاتی که خیلی زود سراسری شد و اگرچه آغازش مردمی و اجتماعی بود، اما به‌سرعت جایش را به آشوب‌های خیابانی داد؛ آشوب‌هایی که اگرچه وزارت کشور دولت حامی آزادی بیان و آزادی رسانه

نسخه سانسور برای آنها پیچید و در روزهای اول، صداوسیما را از انعکاس این ناآرامی‌ها منع کرد، اما به لطف نفوذ شبکه‌های اجتماعی حسابی فراگیر شد و به واسطه بستر مساعد ناشی از مجموعه نارضایتی‌ها، علاوه‌بر کلاتشهر‌ها از شهرهای کوچک دوردست هم سر برآورد.

این حوادث واکنش‌های مختلفی را در سطح نخبگان و سیاستون چپ و راست به همراه داشت. جنجال برانگیزترین واکنش‌ها را اما می‌توان ببینیه معروف مجمع روحانیون مبارز به دبیرکلی محمد خاتمی دانست. مجمع روحانیون در بحبوحه اغتشاشات، با صدور بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن اقدامات عناصر فرصت‌طلب و آشوبگر» در «ایجاد ناامنی» و «اهانت به عناصر دینی و ملی» و حمایت «دشمنان قسم‌خورده» و «آمریکا» از آنها، اعلام کرد مردم حق دارند در اعتراض به مشکلات و دشواری‌هایی که در زمینه‌های معیشتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با آنها مواجه هستند، دست به اعتراض بزنند و مسئولان نیز باید صدای آنها را بشنوند و مطالبات‌شان را فراهم آورند.

این بیانیه انتقادات شدیدی را در طیف‌های رادیکال بدنه اجتماعی اصلاحات به همراه داشت و خیلی‌ها نسبت به استفاده از تعبیری چون «حمایت دشمنان از آشوبگران»، «سوااستفاده عناصر فرصت‌طلب از اعتراضات» و «حمایت دشمنان از حمله آمریکا از آشوبگران» که در نقطه مقابل بیانیه معروف مجمع روحانیون در سال ۸۸ بود، برآفتند، اما هرچه بود، یک معنی بیش از همه، از آن استنباط می‌شد. پیام این بیانیه بیش از هر چیز آن بود که خاتمی و رفقا از این مقطع تصمیم گرفته‌اند به حمایت خود از روحانی خاتمه دهند و بیش از این، هزینه حمایت پیشین خود از دولت را نپزدانند؛ هزینه‌ای که دیگر داشت حسابی برای آنها گران تمام می‌شد.

دنده معکوس و عبور از روحانی

«به خاطر نقص‌ها و کمبودهای موجود، با همه وجود از مردم عذرخواهی می‌کنم؛ ما می‌توانستیم بهتر از این به ایران و ایرانی خدمت کنیم و امیدوارم شاهد از بین رفتن کاستی‌ها باشیم.» اینها مهم‌ترین عبارات بیان‌شده از زبان محمد خاتمی در دوران دولت دوم حسن روحانی است. او این سخنان را در میانه مردادماه سال گذشته و در شرایطی که بحران اقتصادی در حال اوج گرفتن بود و قیمت ارز و سکه و خوردر سر به آسمان گذاشته بود، در دیدار برخی نمایندگان ادوار مجلس بیان کرد. خاتمی در آن ایام به خوبی می‌دانست که برای حفظ پایگاه اجتماعی جریان اصلاحات و جلوگیری از ریزش بیشتر آنها مجبور است سخن بگوید و تکلیف خود و جریانش را با وضعیت نابسامان دولت روحانی مشخص کند. خاتمی در این شرایط و تحت‌فشار افکار عمومی زودتر از موعد و قبل از گذشتن دولت روحانی از نیمه، مسیر خود را از وی جدا کرد و به عبارتی باب عبور از دولت روحانی را باز کرد. خاتمی در این سخنرانی تلاش کرده به اصطلاح ایده و پیشنهادهایی را هم برای تغییر وضعیت کشور بیان کند، اما خب بیش از آنکه بداند مشکل کشور از اقتصاد نابسامان و بی‌حرک داخلی است، بر سیاست متمرکزشدو البته باهمین شرایط هم احتمالاًخود به‌خوبی می‌دانست که دولت‌حسن روحانی خیلی اهل عمل کردن به پیشنهاد و مشورت‌های دیگران نیست و صرفاًتنها کارکردی که اظهارنظر کردن در چنین شرایطی می‌تواند داشته باشد، سخن گفتن با بدنه اجتماعی و تلاش برای دور ماندن از ضعف و انفعال است. البته تابستان ۹۷ و این موضع‌گیری خاتمی که سرآغاز نقدهای تند و تیز اصلاح‌طلبان به دولت شد، نتیجه چشمگیری برای آنها نداشت، چرا که افکار عمومی پدیری این دنده معکوس کشیدن نبود و می‌پرسید چه شده که تنها ظرف یک سال از حامی به منتقد تبدیل شده‌اید؟ همین واکنش هم البته سبب شد اصلاح‌طلبان در مواجهه با دولت روحانی بعد از تابستان ۹۷ به دو دسته عمده تقسیم شوند؛ اول کسانی که بقای سیاسی خود را در دوری هر چه بیشتر از دولت دوازدهم می‌دانستند و لذا انتقاد شدیداللعن از دولت در دستور کار قرار داده بودند، دوم کسانی که هنوز مانند در قدرت برای سه سال پایانی را راهکار بهتر و موثرتر می‌دانستند. اصلاح‌طلبان نزدیک به مشارکت در دسته اول قرار می‌گیرند. عبدالله ناصری، مشاور رسانه‌ای خاتمی که تندترین انتقادات را به روحانی و تیمش داشته یا علیرضا علوی تبار نمونه که در پاییز ۹۷ از اساس منکر حمایت‌ورای دادن به حسن روحانی شد، از نمونه‌های این مساله هستند. علاوه‌بر این، جریان اصلاح‌طلب حاکم بر انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی که نشان داده به محمد خاتمی بسیار نزدیک است، چندی بعد و هم‌زمان با حضور روحانی در دانشگاه تهران تندترین انتقادات را از وی مطرح کردند. دسته دوم اما کارگزارانی‌ها هستند. آنها تا همین امروز هم تلاش کرده‌اند همراه دولت باقی بمانند و حداقل‌هایی از انتقاد را به آن داشته باشند. این رویه در روزنامه‌های سازندگی ارگان اطلاع‌رسانی حزب کارگزاران به خوبی قابل مشاهده است. برای مثال می‌توان به گفت‌وگوی بهزاد نبوی با این روزنامه اشاره کرد؛ به دو سوتیتر اول این مصاحبه که روی جلد هم آمده بود، توجه کنید تا قضاوت ساده‌تر شود: «فشاری که امروز روی دولت روحانی است، به مراتب بیشتر از فشاری است که روی دولت خاتمی بود. برخی اصلاح‌طلبان از تندروهای اصولگرا در حمله به دولت جلوتر افتاده‌اند تا بتوانند رای مردم و افکار عمومی را به سمت خود جلب کنند که این کار را بسیار خطا و اشتباه می‌دانم.»

چون قافیه تنگ آید...

سیدمحمد خاتمی بعد از اینکه چند وقتی به دوران سکوت بازگشته بود، در دیدار با جمعی از اعضای شورای شهر تهران حرف‌های عجیب و غریبی زده که واکنش‌های زیادی را حتی در میان حامیانش به دنبال داشته است؛ اظهاراتی که برخی آن را حاصل روزافزون شدن فشار اجتماعی و افکار عمومی اصلاح‌طلبان بر وی می‌دانند. در ایامی که ناکارآمدی حسن روحانی به همان دولت مورد حمایت اصلاح‌طلبان به واضح‌ترین شکل ممکن خود را نشان داده و خیلی‌ها کمترین امید را به دولت وی برای تغییر وضع موجود دارند، سیدمحمد خاتمی ایده‌غریبی را برای اداره کشور مطرح کرده؛ او گفته است مطلوب‌ترین شیوه حکومت مردمی، اداره فدرالی است. این ایده که آن را سال‌ها پیش محسن رضایی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ مطرح کرد و همان موقع هم نه‌تنها با اقبال کارشناسی مواجه نشد که حتی برخی با طنز به استقبال آن رفتند، این روزها و پس از طرح دوباره از سوی محمد خاتمی با نقدهای متعددی همراه شده است؛ نقدهایی که دووجه متفاوت دارد، برخی از موضع کارشناسی آن را عقب افتاده می‌خوانند و بیان آن را حاصل یک ناآگاهی از وضعیت ایالات متحده و ریشه تاریخی شکل‌گیری فدرالیسم در آنجا و برخی دیگر از منظر سیاسی طرح چنین ایده‌ای را حاصل ناکارآمدی جدی دولت ائتلافی اصلاح‌طلبان با حسن روحانی و تعمیق مشکلات حاصل از آن معرفی می‌کنند. آنهایی که کارشناسی نقد می‌کنند، معتقدند این ایده باعث بارپاره‌شدن کشور و نهایتاً تجزیه آن خواهد شد و سیاستون طرح این موضوع را به نزدیکی انتخابات مجلس ربط می‌دهند و ابراز می‌کنند که محمد خاتمی دوباره و برای اینکه حرفی زده باشد و به اصطلاح بگوید که ایده‌ای دارد؛ از فدرالیسم سخن گفته و آن را بهترین نمونه حکومت مردمی خوانده است. در این میان حتی نزدیکان وی و کسانی که از منظر گفتمانی به او نزدیک‌تر از دیگران هستند هم لب به انتقاد و شکوه گشوده‌اند که این چه طرز سخن گفتن است. برای مثال سیدجواد طباطبایی در یادداشتی به نقدتند و البته طنزآلود این سخنان خاتمی پرداخته و گفته: «من درست نمی‌توانم بفهمم که چرا رئیس‌جمهور پیشین که باید بداند هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد، خطاب به اعضای شورای شهر درباره مسائل کلان حاکمیتی کشور چنین مطلب مهمی را مطرح کرده است؟ وانگهی، خود آقای رئیس‌جمهور اسبق که صلاحیتی دارد که چنین بحث مهم حاکمیتی را با گروهی که آنها نیز در این موارد فاقد صلاحیت هستند، در میان گذاشته است. با پایان یافتن دوره ریاست‌جمهوری، رئیس‌جمهور نیز شهروندی بیش نیست و اگر نظری داشته باشد، باید آن نظر را مستند بیان کند و پاسخ بگیرد، اما بیان چنین مباحثی، در چنین سطح عامیانة‌ای، در مناسبت‌های سیاسی در شأن رجل سیاسی نیست.» این نوع نقد‌ها البته سوای حجم گسترده‌ای از مطالب نوشته‌شده در شبکه‌های اجتماعی است که می‌گویند «چون قافیه تنگ آید...»